

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله قیامت و آخرت ۱۴



بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال: فتنه دجال چیست؟ و چگونه می توان از آن نجات یافت؟

جواب: الحمد لله

معنی مسیح

علما بیش از پنجاه قول در باره معنی مسیح ذکر کرده و گفته اند این لفظ بر صدیق (بسیار راستگو) و ضلیل (بسیار گمراه و دروغگو) اطلاق می گردد.

مسیح عیسی بن مریم علیه السلام صدیق ، مسیح هدایت، معالجه کننده بیماری پسی و کوری و زنده کننده مردگان به اذن پروردگار است و مسیح دجال همان گمراه کننده دروغگو است که مردم را به وسیله آیاتی چون : باران باریدن، سرسبز گرداندن زمین و چندین امر خارق العاده دیگر که خداوند به او عطا کرده است، گمراه می کند. پس خداوند دو مسیح ضد هم خلق کرده است.

علما در دلیل نامگذاری دجال به مسیح گفته اند: زیرا یکی از چشمهایش کور است، و گفته شده اینکه کل زمین را در مدت چهل روز طی می کند....

قول اول راجح تر است زیرا در حدیث مسلم از انس بن مالک روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدَّجَالُ مَمْسُوحُ الْعَيْنِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافِرٌ..» (رواه مسلم برقم 5221) «دجال یک چشمش کور و بین دو چشمش کافر نوشته شده است».

معنی دجال

الدَّجَل: یعنی مخلوط شدن، یعنی مشتبه و پوشیده ماند. الدجال: یعنی بسیار وارونه جلوه دهنده و کذاب، یعنی دروغ و تقلب از او بسیار سر می زند.

و لفظ «الدجال» اسم شده است برای مسیح کذاب یک چشم پس وقتی گفته می شود دجال غیر از او کسی دیگر به ذهن نمی آید. به او دجال گفته می شود زیرا کفرش را با کذب و تقلب و ظاهرسازی از مردم پنهان می کند.

صفات دجال و احادیث وارده در این باره

دجال انسانی است که احادیث با بیان بسیاری از صفاتش او را به مردم معرفی می کند و آنها را از شر او بر حذر می دارد تا هنگام خارج شدن مردم او را بشناسند و به وسیله او دچار فتنه نگردند. بلکه با این صفات که پیامبر صادق صلی الله علیه و آله به آن خبر داده او را از سایر مردم متمایز می سازد و جز جاهلی که بدبختی بر او سبقت گرفته کسی فریب او را نمی خورد. نسأل الله العافیة. و از جمله این صفات:

صفات مذکور عبارتند از: او مردی جوان، قرمز رنگ، کوتاه قامت، دارای موهای فر، پیشانی او باز و گودی زیر گلویش عریض است، چشم راستش کور و خاموش مانند دانه انگور برجسته است. روی پلک چشم چپش تکه گوشتی بیرون آمده است. و بین دو چشمش با حروف مقطعه کلمه کفر (کفر) یا کافر نوشته شده

است و هر مسلمان با سواد و بی سواد می تواند آنرا بخواند. او عقیم است و بچه دار نمی شود. و این تعدادی از احادیث صحیح است که در آن ذکر صفات سابق او در آن آمده و از دلایلی است که بر ظهور دجال دلالت دارد.

1. از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «شب، خواب دیدم که کعبه را طواف می کنم. در آنجا مردی گندم گون که موهای شانه شده اش میان شانه هایش افتاده بود، دستهایش را روی شانه دو مرد دیگر گذاشته بود، مشاهده نمودم. از سرش، آب می چکید. پرسیدم: این، کیست؟ گفتند: عیسی بن مریم است. پس راه افتادم و به اطراف توجه می کردم ناگهان مردی درشت اندام، قرمز رنگ با موی فر، که چشم راستش کور و به مانند دانه انگور برجسته بود را دیدم. گفتم این کیست؟ گفتند: این دجال است. شبیه ترین شخص به او ابن قطن خزاعی است». (رواه البخاری برقم 6508).

2. از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله در بین مردم بحث دجال را می کرد، فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ، أَلَا إِنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ أَعْوَرُ الْعَيْنِ الْيُمْنَى كَأَنَّ عَيْنَهُ عَيْنَةُ طَافِيَةٍ..» (رواه البخاری برقم 3184) «خداوند متعال کور نیست بلکه مسیح دجال چشم راستش کور و مانند دانه انگور برجسته و از حدقه جدا شده است».

3. و در حدیث طولانی که نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت می کند که «ذکر رسول الله صلی الله علیه و سلم الدجال ذات غَدَاةٍ فَخَفَضَ فِيهِ وَرَفَعَ حَتَّى ظَنَّاهُ فِي طَائِفَةِ النَّخْلِ..» «رسول الله صلی الله علیه و آله صبحگاهی دجال را یادآوری نمود، او را کوچک و خوار و فتنه اش را بزرگ شمرد تا اینکه گمان کردیم در پیش انبوهی از درختان خرما قرار دارد» و در وصف دجال می فرماید: «إِنَّهُ شَابٌّ قَطَطٌ - شديد جعودة الشعر - عَيْنُهُ طَائِفَةٌ كَأَنِّي أَشْبَهُهُ بِعَبْدِ الْعُزَّى بْنِ قُطَيْنٍ» (رواه مسلم برقم 5228) «او جوانی دارای موی فر و یک چشم کور است من او را مانند عبدالعزی بن قطن می بینم».

4. و از عبدالله بن صامت رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي قَدْ حَدَّثْتُكُمْ عَنْ الدَّجَالِ حَتَّى خَشِيتُ أَنْ لَا تَعْقِلُوا، إِنَّ مَسِيحَ الدَّجَالِ رَجُلٌ قَصِيرٌ أَفْحَجُ جَعْدٌ أَعْوَرٌ مَطْمُوسُ الْعَيْنِ لَيْسَ بِنَائِتَةٍ وَلَا حِجْرَاءَ فَإِنَّ أَلْبَسَ عَلَيْكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ» (رواه أبو داود برقم 3763، والحدیث صحیح (صحیح الجامع الصغير / حدیث رقم 2455)) «من برای شما در باره دجال سخن گفتم تا آنجا که ترسیدم آن را نفهمید. همانا مسیح دجال مردی کوتاه قامت، دارای موی فر و یک چشم است و چشم کورش بارز و برجسته است اگر در شناخت او اشتباه کردید بدانید پروردگار شما کور نیست».

5. و از ابوهیره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَأَمَّا مَسِيحُ الضَّلَالَةِ فَإِنَّهُ أَعْوَرُ الْعَيْنِ أَجْلَى الْجَبْهَةِ عَرِيضُ النَّحْرِ فِيهِ دَقَا - إِنْحِنَاءٌ..» (رواه احمد برقم 7564) «اما مسیح گمراه، او یک چشم است و پیشانی باز دارد و گودی زیر گلویش عریض و دارای انحنا است».

6. از حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدَّجَالُ أَعْوَرُ الْعَيْنِ الْيُسْرَى، جُفَالُ الشَّعْرِ - كَثِيرُهُ - مَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ فَنَارُهُ جَنَّةٌ وَجَنَّتُهُ نَارٌ» (رواه مسلم برقم 5222) «دجال چشم چپش کور است و موی زیاد دارد، بهشت و آتش همراه او است پس آتشش، بهشت و بهشتش، آتش است».

7. از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا بُعِثَ نَبِيٌّ إِلَّا أُنْذِرَ أُمَّتَهُ الْأَعْوَرَ الْكَذَّابَ أَلَا إِنَّهُ أَعْوَرُ وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ وَإِنَّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ كَافِرٌ» (رواه بخاری برقم 6598) «هیچ پیامبری مبعوث نشده مگر اینکه امتش را از آن کور بسیار دروغگو ترسانده است. آگاه باشید که او کور است و پروردگار شما کور نیست و بین دو چشمش کلمه کافر نوشته شده است» و در روایتی می فرماید: «وَمَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافِرٌ» (رواه مسلم برقم 5219) «کلمه کافر به صورت مقطع (کفر) نوشته شده است» و در روایتی از حذیفه آمده: «يَقْرُؤُهُ كُلُّ مُؤْمِنٍ كَاتِبٍ وَغَيْرِ كَاتِبٍ» (رواه مسلم

برقم 5223) « هر مؤمن با سواد و بی سوادی آنرا می خواند».

این کلمه درست و بطور آشکار نوشته شده است و اینکه برخی آنرا رؤیت کنند و تعدادی دیگر آنرا رؤیت نکنند و یا اینکه چگونه بی سواد آنرا می خواند و... اشکالی بر آن وارد نمی کند « زیرا خداوند قوه ادراک را در بصر انسان طبق مشیت خود خلق می کند پس مؤمن با چشم آن را می بیند گرچه سواد نداشته باشد و کافر آنرا نمی بیند گرچه با سواد باشد. همانطور که مؤمن آیات و ادله را با چشم بصیرتش می بیند ولی کافر نمی بیند. پس خداوند قوه ادراک را بدون تعلم به مؤمن می دهد و یا واقعاً در آن زمان عادات خرق می گردند». (فتح الباری لابن حجر العسقلانی 100/13)

و خلاصه جواب برای این امر مشتبه این است که خداوند بر هر کاری قادر است و او می تواند بر اینکه تنها بعضی از مردم آن نوشته را ببینند و قادر است بر اینکه بی سواد آن را بخواند.

نووی می فرماید: «رأی صحیح محققین بر این است که کلمه (کفر) حقیقی است و مجازی در آن نیست و خداوند مانند دیگر آیات و نشانه ها آن را علامت کذب و کفر و باطل بودنش قرار داده است و خداوند آن را به هر مؤمن با سواد یا بی سواد نشان می دهد. و بدون مانع آن را بر کافر و فاجر پوشیده می کند تا به فتنه و شقاوت دچار گردند». (شرح النووی لصحیح مسلم 18/60)

8. یکی دیگر از صفات او در حدیث فاطمه بنت

قیس رضی الله عنه در قصه جساسه آمده است. در آن تمیم رضی الله عنه می گوید: «قَانَطَلَقْنَا سِرَاعًا حَتَّى دَخَلْنَا الدَّيْرَ فَإِذَا فِيهِ أَعْظَمُ إِنْسَانٍ رَأَيْنَاهُ قَطُّ خَلْقًا وَأَشَدَّهُ وَثَاقًا» «به سرعت رفتیم تا به دیری رسیدیم. در آن دیر، بزرگترین انسان از نظر خلقت را دیدم که تا به حال مشاهده نکرده بودم و بسیار محکم بسته شده بود». (رواه مسلم برقم 5235)

9. از خلقت آدم تا روز قیامت فتنه ای بزرگتر از فتنه مسیح دجال وجود ندارد همانگونه که آمد و در حدیث عمران بن حصین رضی الله عنه آمده که از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «مَا بَيْنَ خَلْقِ آدَمَ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ خَلْقٌ أَكْبَرُ مِنْ الدَّجَالِ» (رواه مسلم برقم 5239) «در فاصله خلق آدم تا برپایی قیامت مخلوقی بزرگتر از دجال آفریده نشده است» و در روایت احمد از هشام بن عامر

انصاری رضی الله عنه آمده که: «سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا بَيْنَ خَلْقِ آدَمَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ فِتْنَةٌ أَكْبَرُ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ» (مسند امام احمد 15831) «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: در فاصله خلقت آدم تا برپایی قیامت فتنه ای بزرگتر از فتنه دجال آفریده نشده است».

10. و اما در مورد عقیم بودن دجال، در حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه در داستانش با ابن صیاد چنین آمده است. او به ابوسعید گفت: «أَلَسْتُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّهُ لَا يُؤْلَدُ لَهُ؟ قَالَ قُلْتُ: بَلَى..» (رواه مسلم برقم 5209) «آیا از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

نشیده ای فرمودند: او بچه دار نمی شود ابوسعید گفت، گفتم: بلی».

برخی از روایات چشم راست و برخی دیگر چشم چپش را کور دانسته اند در عین حال همه روایات صحیح و بدون اشکال هستند، بدین ترتیب تعدادی از اهل علم بین این روایات را جمع کرده اند. قاضی عیاض می گوید براساس روایات صحیح دو چشم دجال عیب دارند ولی چشمی که روشنائی اش را از دست داده چشم راست اوست.

به نحوی که در حدیث ابن عمر نقل شده است و چشم چپ او نیز که تکه گوشتی اضافه دارد پس آن نیز عیب دار است پس هر دو چشم دجال معیوب هستند چون صفت اعور در هر چیزی دلالت بر نقص آن چیز دارد. بویژه در چشم، بنابراین هر دو چشم دجال اعور یعنی معیوب هستند اما یکی از آنها کاملاً نمی بیند و دیگری گرچه بینایش را از دست نداده ولی معیوب است. نووی درباره این جمع موافق قاضی عیاض است و قرطبی نیز آن را ترجیح داده است.

مکان خروج دجال

دجال از سمت مشرق از خراسان و از میان یهودیان اصفهان خارج می شود سپس روی زمین سفر می کند و به همه شهرها جز مکه و مدینه وارد می شود. و نمی تواند وارد آن دو شود زیرا ملائکه از آن حراست می کنند.

از ابتدای خلق آدم تا برپایی قیامت فتنه دجال بزرگترین فتنه روی زمین است. آن هم به علت قدرت خارق‌العاده‌ای که خداوند در اختیار او قرار می‌دهد بدانگونه که عقلها را حیران و مبهوت می‌سازد.

در روایات آمده است دجال بهشت و جهنم را به همراه دارد. بهشتش آتش و جهنمش بهشت است او رودهای آب و کوههای نان به همراه خود دارد. او به آسمان امر می‌کند باران نازل کند و به زمین دستور می‌دهد گیاه برویاند. گنجهای زمین در اختیار اوست و با سرعت زیادی مانند سرعت نزول قطرات باران در یک روز طوفانی، زمین را طی می‌کند. و چندین قدرت خارق‌العاده دیگر... و تمام آنچه گفته شد در احادیث صحیح آمده است. مسلم از حذیفه رضی الله عنه نقل می‌کند. او گفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدَّجَالُ أَعْوَرُ الْعَيْنِ الْيُسْرَى، جُفَالُ الشَّعْرِ - كَثِيرُهُ - مَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ فَنَارُهُ جَنَّةٌ وَجَنَّتُهُ نَارٌ» (رواه مسلم برقم 5222) «دجال چشم چپش کور است و موی زیاد دارد، بهشت و آتش همراه او است پس آتشش، بهشت و بهشتش، آتش است».

مسلم همچنین از حذیفه رضی الله عنه روایتی نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من خوب می‌دانم همراه دجال چیست. او دو رود جاری به همراه دارد یکی از آنها آب سفید و دیگری آتش فروزان به نظر می‌رسند. اگر هر یک از شما به او رسید. رودی را که آتش به نظر می‌رسد، اختیار کند، و چشمانش را ببندد و سرش را

پایین بیاورد واز آن بنوشد چون در واقع آن آب گوارا است». (رواه مسلم برقم 5223)

در حدیث نواس بن سمان رضی الله عنه در مورد ذکر دجال آمده است. اصحاب گفتند: «ای پیامبر صلی الله علیه و آله چقدر در زمین می‌ماند؟ فرمود چهل روز: یک روز آن به اندازه یک سال و روزی دیگر به اندازه یک ماه و روزی دیگر نیز به اندازه یک هفته و بقیه روزها مانند روزهای عادی شما است. گفتند: سرعت سیر او بر زمین چقدر است. فرمود مانند نزول باران در روز طوفانی، او نزد قومی می‌آید آنها را دعوت می‌کند و به او ایمان می‌آورند و نیازهایشان را از او مطالبه می‌کنند. پس به آسمان دستور می‌دهد تا باران نازل کند و به زمین امر می‌کند تا گیاه برویاند تا حیواناتشان در آن بچرند و چاق، پرشیر و بزرگ شوند. سپس نزد قوم دیگری می‌آید و آنان را دعوت می‌کند ولی آنان دعوتش را رد می‌کنند و به او ایمان نمی‌آورند. دجال آنان را رها می‌کند. نزولات آسمانی کم می‌شود. اموالی در دستشان نمی‌ماند و وضعشان رو به خرابی می‌رود به زمین آنجا می‌گوید گنجهایت را خارج کن پس گنجها مانند دسته زنبور عسل به طرف او می‌آیند سپس مرد جوانی را صدا می‌زند، او را با شمشیر به دو نصف تبدیل می‌کند. و او را دوباره صدا می‌زند او در حالی که تبسم بر لب دارد بار دیگر زنده می‌شود». (رواه مسلم برقم 5228)

در روایت بخاری از ابوسعید خدری رضی الله عنه آمده است. مردی که دجال او را می‌کشد از بهترین انسانها یا

بهترین آنهاست او از مدینه به طرف دجال می‌رود. و به دجال می‌گوید: «گواهی می‌دهم تو دجالی هستی که پیامبر صلی الله علیه و آله به ما خبر داده بود. دجال به مردم گفت نظر شما چیست آیا اگر او را بکشم و دوباره زنده کنم دیگر در کار من شک می‌کنید مردم می‌گویند: خیر لذا دجال او را می‌کشد و سپس زنده می‌گرداند. پس مرد می‌گوید: قسم به خداوند حالا من تو را بهتر از گذشته می‌شناسم دجال می‌خواهد دوباره او را به قتل برساند ولی بر او مسلط نمی‌گردد». (رواه بخاری برقم 6599)

و روایت ابن ماجه از ابی امامه باهلی که پیامبر صلی الله علیه و آله در باره دجال می‌گوید: «وَإِنَّ مِنْ فِتْنَتِهِ أَنْ يَقُولَ لَأَعْرَابِيَّ أَرَأَيْتَ إِنْ بَعَثْتُ لَكَ أَبَاكَ وَأُمَّكَ أَتَشْهَدُ أَنِّي رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ. فَيَمْتَلِئُ لَهُ شَيْطَانَانِ فِي صُورَةِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ فَيَقُولَانِ يَا بُنَيَّ اتَّبِعْهُ فَإِنَّهُ رَبُّكَ» (رواه ابن ماجه برقم 4067).

وصححه الألبانی (صحیح الجامع الصغیر / حدیث رقم 7752) «یکی از فتنه‌هایش این است که به اعرابی می‌گوید آیا اگر پدر و مادرت را برایت زنده کنم به من ایمان می‌آوری. او می‌گوید بله پس دجال شیطانی را به صورت پدر و مادرش درمی‌آورد آنان می‌گویند ای فرزندم از او پیروی کن. او پروردگار توست». از خداوند سلامتی را می‌خواهیم و از فتنه دجال به خدا پناه می‌بریم.

پرهیز از فتنه دجال

پیامبر امتش را به اموری که آنان را از فتنه دجال حفظ می‌کند ارشاد کرد او امت را بر قانونی واضح و بدون ابهام که شب آن به مانند روزش روشن است، ترک کرد. کسی از آن منحرف نمی‌شود جز اینکه هلاک می‌گردد. هیچ راه خیری نبود مگر امتش را به آن راهنمایی کرد و هیچ شری نبود مگر امتش را از آن برحذر داشت.

از مواردی که پیامبر ﷺ امتش را از آن برحذر داشت فتنه مسیح دجال است زیرا بزرگترین فتنه‌ای است که امت اسلامی تا برپایی قیامت با آن مواجه می‌شوند و هر پیامبری امتش را از فتنه مسیح دجال یک چشم برحذر داشته ولی محمد ﷺ بیشتر از سایر انبیاء امتش را از آن برحذر داشته است چون خداوند بسیاری از صفات دجال را به پیامبرش گفت تا امتش را بترساند چرا که دجال از همین امت خارج خواهد شد. و محمد خاتم انبیاء است. بعضی از راهنمایی‌های پیامبر در زمینه تحذیر امت از فتنه دجال در ذیل آورده می‌شود. از خداوند بزرگ خواستاریم ما را از آن حفظ کند. از جمله آنها:

تمسك به اسلام و مسلح شدن به اسلحه ايهان و شناخت اسماء الله الحسنی که خداوند در آنها شریکی ندارد. دجال انسانی است که می‌خورد و می‌آشامد. ولی خداوند از آن منزّه است. دجال کور است ولی خداوند چنین نیست. کسی خداوند را

نمی‌بیند تا پس از مرگ ولی دجال را هنگام خروجش همه انسانهای مؤمن و کافر می‌بینند.

پناه‌بردن به خدا از شر فتنه دجال خصوصاً در نماز به استناد احادیث صحیح پیامبر ﷺ از جمله حدیثی که شیخین و نسائی از عائشه رضی الله عنها روایت می‌کنند. او می‌گوید: پیامبر ﷺ در نماز این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ» (رواه بخاری برقم 789) «پروردگارا از عذاب قبر، فتنه مسیح دجال، فتنه زندگی و مرگ به تو پناه می‌برم. پروردگارا از گناه و ضرر و زیان به تو پناه می‌برم».

مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «إِذَا تَشَهَّدَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ، يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ» (رواه مسلم برقم 924) «هرگاه یکی از شما در نماز تشهد خواند از چهار چیز به خدا پناه ببرد و بگوید: پروردگارا از عذاب جهنم، عذاب قبر و از فتنه زندگی و مرگ و از شر فتنه مسیح دجال به تو پناه می‌برم».

حفظ آیاتی از سوره کهف: پیامبر خدا فرمودند آیات اول سوره کهف بر دجال خوانده شود. در برخی

روایات به جای اول سوره کهف، آیات آخر سوره کهف وارد شده است (ده آیه از اول یا ده آیه از آخر). و از جمله احادیثی که در این باره آمده آنچه است که مسلم در حدیث طولانی نواس بن سیمان روایت می‌کند که در آن می‌فرماید: «قَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ فَلْيَقْرَأْ عَلَيْهِ فَوَاتِحَ سُورَةِ الْكَهْفِ» (رواه مسلم برقم 5228) «هر یک از شما به دجال رسید آیات اول سوره کهف را بر او بخواند».

مسلم از ابودرداء رضی الله عنه نقل می‌کند پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْكَهْفِ عُصِمَ مِنَ الدَّجَالِ» (رواه مسلم برقم 1342) «هر کس ده آیه اول سوره کهف را حفظ داشته باشد از فتنه دجال محفوظ می‌شود» مسلم می‌گوید: شعبه گفت: «مِنْ آخِرِ الْكَهْفِ وَ قَالَ هَمَامٌ مِنْ أَوَّلِ الْكَهْفِ» «آخر کهف و همام گفت: اول کهف».

نووی می‌گوید: «سَبَبَ ذَلِكَ مَا فِي أَوَّلِهَا مِنَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ، فَمَنْ تَدَبَّرَهَا لَمْ يَفْتَنَّ بِالْجَالِ، وَكَذَا فِي آخِرِهَا قَوْلُهُ تَعَالَى: (أَفْحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا...)» (شرح صحیح مسلم 6/ 93) «چون در اول سوره کهف درباره وقایع عجیب و برخی از آیات خداوند بحث می‌شود هر کس در آنها تدبیر کند به فتنه دجال گرفتار نمی‌گردد و چون در آخر آن آیه ﴿أَفْحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا﴾ وجود دارد».

لذا این از خصوصیات سوره کهف است. احادیث وارده تشویق به قرائت آن خصوصاً در روز جمعه می کنند. حاکم از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت می کند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْكَهْفِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَضَاءَ لَهُ مِنَ النُّورِ مَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ» (المستدرک (2/ 368) ، وصححه الألبانی (صحيح الجامع الصغير / حديث رقم 6346)) «هر کس سوره کهف را در روز جمعه قرائت کند بین دو جمعه نور بر او نازل می شود».

شکی نیست سوره کهف منزلت بزرگی دارد و در آن آیات روشنی مانند: قصه اصحاب الکهف، قصه موسی و خضر، قصه ذی القرنین و بنای سد بزرگ توسط او در برابر عأجوج و مأجوج، اثبات دوباره زنده شدن بعد از مرگ و حشر و نشر، دمیدن در صور و بیان حال زیانبارترین عمل کنندگان، کسانی که گمان می کنند بر سر راه هدایتند اما در ضلالت و گمراهی بسر می برند، وجود دارند. لذا بر هر مسلمانی لازم است در قرائت این سوره و حفظ و تکرار آن خصوصاً در بهترین روز هفته یعنی روز جمعه حریص باشد.

فرار از دجال و دوری از او: در این راستا بهترین راه ساکن شدن در مکه و مدینه است چون دجال وارد مکه و مدینه نمی شود. پس بر مسلمان لازم است هنگام ظهور دجال از او دور شود چون با شبهات و قدرت

فراوانش امور خارق العاده که خداوند بر دست او جاری می کند باعث فتنه برای مردم می شود. و مردی پیش او می رود و گمان می کند که دارای ایمان و ثبات می باشد پس از او متأثر و پیرو او می گردد. از خداوند می خواهیم ما و جمیع مسلمانان را از فتنه او نجات دهد.

امام احمد و ابوداود و حاکم از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ سَمِعَ بِالْذَّجَالِ فَلَيْناً مِنْهُ، فَإِنَّ الرَّجُلَ يَأْتِيهِ يَتَّبِعُهُ وَهُوَ يَحْسِبُ أَنَّهُ صَادِقٌ بِمَا يُبْعَثُ بِهِ مِنَ الشَّيْءَاتِ» (روي الإمام أحمد (19118) وأبو داود (3762) والحاكم (5314)) «هر کس اسم دجال را شنید از او دور شود، سوگند به خدا مرد نزد او می رود گمان می کند مؤمن است و بر اثر شبهاتش از او پیروی می کند».

نابودی دجال

بنابر احادیث صحیح هلاک و نابودی دجال توسط عیسی بن مریم علیه السلام صورت می گیرد. دجال در تمام نقاط زمین نیرو و یاور دارد (جز مکه و مدینه) و فتنه او بسیار وسیع و خطرناک است و جز عده کمی از مسلمانان از آن نجات نمی یابند. و در این هنگام عیسی علیه السلام بر مناره شرقی در دمشق نازل می شود و بندگان مؤمن خدا را دور خودش جمع می کند و به سمت دجال می روند که در این هنگام دجال نیز به سوی بیت المقدس می رود و در نزدیکی «لد» (شهری

در فلسطین نزدیک بیت المقدس) به هم می رسند. وقتی دجال عیسی را می بیند به مانند نمک در آب ذوب می شود. عیسی علیه السلام به او می گوید: «من باید ضربه ای به تو بزنم پس راه فرار نداری» عیسی به او می رسد و او را به قتل می رساند و سایر مؤمنین ، سپاهیان شکست خورده و فراری دجال را تعقیب می کنند و درخت و سنگ می گویند ای مسلمان این یهودی پشت من مخفی شده است. بیا او را به قتل برسان جز درخت غرقد که جزو درخت یهودیان است (و به سخن نمی آید). («النهاية / الفتن والملاحم» (1281-129) تحقیق د. طه زینی)

تعدادی از احادیث وارد شده در مورد قتل دجال و پیروانش

مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت می کند گفت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَخْرُجُ الذَّجَالُ فِي أُمَّتِي فَيَمَكُتُ أَرْبَعِينَ..» فذكر الحديث، وفيه: «فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ كَأَنَّهُ عُرْوَةٌ بَنُ مَسْعُودٍ فَيَطْلُبُهُ فَيَهْلِكُهُ» (رواه مسلم برقم 5233) «دجال در امت من خارج می شود و چهل در آن می ماند... (در ادامه گفت) خداوند عیسی بن مریم که هم شکل عروه بن مسعود است را نازل می کند. او را صدا می زند و به هلاکت می رساند».

احمد و ترمذی از مجمع بن جاریه انصاری رضی الله عنه روایت می کنند او گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: «يَقْتُلُ ابْنُ

مَرِّمَ الدَّجَالِ بَابِ لُدٍّ» (روي الإمام أحمد برقم 14920
والترمذی برقم 2170) «عِيسَى بن مَرِّمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَجَالَ را
نزد باب لد می کشد».

مسلم از نواس بن سمعان حدیث طولانی را درباره
دجال نقل می کند که در آن قصه نزول عیسی و
کشته شدن دجال بدست او آمده است و در آن پیامبر
ﷺ می فرماید: "فَلَا يَجِلُّ لِكَافِرٍ يَجِدُ رِيحَ نَفْسِهِ إِلَّا
مَاتَ وَنَفْسُهُ بِنْتَهِي حَيْثُ يَنْتَهِي طَرَفُهُ فَيَطْلُبُهُ حَتَّى يَذْرِكَهُ
بَابِ لُدٍّ فَيَقْتُلُهُ" (رواه مسلم برقم 5228) «کافر ممکن
نیست هوای نفس عیسی ﷺ را دریابد و جز اینکه
می میرد و هوای نفس او تا جایی که چشمش کار کند
می رود پس او دجال را جستجو می کند تا زمانیکه در
باب له او را می یابد و به هلاک می رساند».

امام احمد از جابر بن عبدالله رایت می کند گفت:
پیامبر ﷺ فرمودند: «دجال زمان ضعف دین و اعراض
مردم از علم خارج می شود... (در ادامه حدیث می
فرماید) سپس عیسی بن مریم ﷺ نازل می شود. هنگام
سحر ندا می دهد و می گوید: ای مردم، چه چیز مانع
شده است تا علیه کذاب خبیث قیام نکنید. مردم
می گویند: او گنهکار است پس به سوی او حرکت
می کنند متوجه می شوند او عیسی بن مریم ﷺ است.
وقت نماز فرا می رسد به عیسی ی گفته می شود ای
روح الله جلو برو (و به امامت نماز را پیادار) عیسی ی
می گوید: امام خودتان پیش برود و نماز را پیا دارد،

وقتی نماز صبح را خواندند به سوی او می روند وقتی
دجال کذاب، عیسی ﷺ را می بیند ذوب می شود
همانطور که نمک در آب حل می شود. عیسی به سمت
او می رود و او را به قتل می رساند تا اینکه سنگ و
درخت می گویند ای روح الله این یهودی اینجاست پس
همه پیروانش را از بین می برد حتی یک نفر هم باقی
نمی ماند». (رواه الامام احمد برقم 14426)
و با قتل دجال - لعنت خدا بر او باد - فتنه بزرگ به
پایان می رسد و خداوند مؤمنین را از شر او و پیروانش
به دست عیسی بن مریم ﷺ نجات می دهد. والله الحمد
والمنة.

نوشته شده توسط: محمد بن صالح المنجد